



سریر خون ساخته کوروساوا؛ نمایش طمع انسانی در مکبث ژاپنی

۳ سال پس از ساخت و اکران فیلم ماندگار هفت سامورایی در سال ۱۹۵۴ و ۶ سال پس از نمایش راشومون در ۱۹۵۱، کوروساوا در ۴۶ سالگی سریر خون Theron Of Blood را با اقتباس از یکی از معروف‌ترین نمایشنامه‌های شکسپیر روانه اکران کرد.

همشهری آنلاین- مهدی تهرانی: ۳ سال پس از ساخت و اکران فیلم ماندگار هفت سامورایی در سال ۱۹۵۴ و ۶ سال پس از نمایش راشومون در ۱۹۵۱، کوروساوا در ۴۶ سالگی سریر خون Theron Of Blood را با اقتباس از یکی از معروف‌ترین نمایشنامه‌های شکسپیر روانه اکران کرد.

سریر خون اقتباسی از مکبث است و برای این‌که داستان رنگ و بویی ژاپنی و بومی بگیرد کوروساوا جمعی از بهترین نویسندگان ژاپن، هم‌گداه‌ها، سادست، خمدش، نگاش، فیلمنامه‌ساز، به نامان، داد. با این حال اگرچه کوروساوا به اصل داستان و نمایشنامه شکسپیر وفادار مانده است، ولی در سیر شکل‌گیری روایتش مجبور شده فرم و فضا را به طور کلی تغییر دهد و این بهایی بود تا سریر خون یک مکبث ژاپنی تمام عیار به نظر برسد؛ کاری که خالق این فیلم به بهترین شکل موفق به انجامش شد. در مکبث شکسپیر، موضوع اصلی بیدار شدن طمع و نفس بدکاره انسان است و به معنای آن، مدد، همدان، شاخه دگ‌گفتن، ناهانمده.

چنانچه در نمایشنامه اصلی شخصیت ماجرا، لرد مکبث است که تاکنون به فتوت و جوانمردی شناخته می‌شد کم‌کم بر اثر تلقینات و اثرپذیری از همسر طمعکارش به شخصی پست‌فطرت و ناجوانمرد تبدیل می‌شود. لرد مکبث شاه را به قلعه‌اش دعوت می‌کند. قرار است او بهترین میزبان باشد برای گرمی‌ترین مهمانی که تاکنون داشته است. اما لرد مکبث که دیگر وجدانش را بر اثر حرف‌های زنش از دست داده و آتش طمع و دنیا دوستی‌اش فراگیر شده در اقدامی ناجوانمردانه و تحت رهبری همسرش در منزل خود مهمانش را به قتل می‌رساند. کوروساوا در سریر خون همین خط سیر داستانی را دنبال کرده است. یک سامورایی اصبا، ه‌خه‌شنام تحت هدیه، همسش، ه‌القائات اه، به انباش، خبانت م‌کند ه‌اه، از دم تغ م‌گذاند. یکی از شخصیت‌های اصلی در سریر خون وجود ساحره‌ای است که در بیمار کردن مغز و روح سامورایی داستان نقش اساسی ایفا م‌کند؛ نقش، که به نمرات شدن، قصه مکبث کمک شایان، کده است.

سریر خون تنها فیلمی نیست که برای ساخت آن کوروساوا از یک منبع غیربومی استفاده کرده، اما می‌تواند مهم‌ترین آنها باشد. آنچه او طی آثار قبلی‌اش ارائه کرده و سینمایش را این‌گونه نشان داده در این اثر تقریباً دنبال می‌شود، با این تفاوت که در سریر خون تمرکز روی یک نفر است. چنانچه در عمده آثار کوروساوا همواره نقش اول ماجرا به بهترین نحوی شخصیت‌پردازی می‌شود، اما شخصیت‌های مکمل نیز داستانک‌های خود را دارند و در روایت اصلی داستان قابل مشاهده هستند. دیگر موضوع جالب توجه، صحنه‌های جنگ و گریز در سریر خون است. همین حالا چشمانتان را ببندید و مثلاً یکی از فیلم‌های استیون سیگال، ژان کلود ون دام، جکی چان یا جت لی را مرور کنید و سپس یکی از صحنه‌های رزمی فیلم‌های کوروساوا را نیز در نظر بگیرید. به احتمال فراوان کارگردانی کوروساوا اصلاً قابل قیاس با این اشخاص نیست، بویژه آن‌که امکانات ۵۰ سال پیش با فناور، دبحثا، زمان، حاضر قانا، مقاسه نیست.

در سکانس‌های پایانی سریر خون، صحنه‌های جنگ و گریز بویژه در نماهای داخلی، آنجا که توشیرو میفونه اتاق به اتاق در حال مبارزه با سبازان، شاه است بخی موبد این تفاوت بزرگ کوروساوا فکید در ساخت آثاری اینچنین است.

Throne of blood / سریر خون

محصول ۱۹۵۷ ژاپن

کارگردان: آکاسا، ه‌س‌اه، فیلمنامه: ه‌دئه اه‌گه‌نی، شینوبو هاشیموتو، ریوزو کیکاشیما و آکیرا کوروساوا

اقتباس از نمایشنامه مکبث، اثر ویلیام شکسپیر

بازیگران: توشیرو میفونه، ایسوزو یامادا، مینورو چیاکی، آکیرا کوبو، تاکامورو ساساکی و یوئچی تاجیکاوا